

روز شمار

دوشنبه

۵۸/۲/۱۷

۱۰ جمادی الثانی ۱۳۹۹

۷ مه ۱۹۷۹

۱

افزایش تقابل و جبهه‌گیری جریان‌های قومی و جریان‌های مذهبی - انقلابی در خوزستان - بویژه در خرمشهر - و دخالت عناصر وابسته به عراق در دامن زدن به جو اختلافات ، نشان دهنده آن است که در این منطقه روند حوادث به سمت وقوع بحران پیشه می‌رود . از گزارش امروز مامور اعزامی دفتر هماهنگی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مرکز به خوزستان که با عنوان " جو خرمشهر " ارسال شده است ، اخبار ، نکات و توضیحات زیر استخراج و انتخاب و ارائه می‌شود که می‌تواند بیان و توصیفی از روند مزبور باشد . در بخش‌هایی از گزارش درباره سازمان سیاسی



محمد جهان آرا

فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی خرمشهر

خلق عرب (که در جهت مقابله با کانون فرهنگی - نظامی در خرمشهر فعال است) چنین آمده است : « سازمان معتقد است که خوزستان ، عربستان است . البته این را ظاهر نمی‌کند اما افراد وابسته به این سازمان ، همه جا از جمله در دیوان‌نویسی‌ها ، کلمه عربستان را به کار می‌برند . نام خرمشهر را نیز به محمره تعویض کرده‌اند و اعتقاد دارند که مردم غیر عرب باید این شهر را ترک کنند . از جمله اقدامات تحریک آمیز این سازمان این که چندی پیش در روز تظاهرات علیه سازش مصر و اسرائیل ، عده‌ای از اعراب با تحریک و سازمان دهی اینان به یکی از مراکز تحقیقاتی کانون حمله کردند ، هر چه در آن بود منهدم و پاسداران آن محل را خلع سلاح و به شدت مضروب کردند . خوشبختانه در انبار



بزرگراه ورودی به خرمشهر

اسلحه را به گمان این که دستشویی است باز نکردند . پاسداران کانون ، با تدبیر و سیاست آقای [محمد] « جهان آرا » - که جوان عاقل و فهمیده‌ای به نظر می‌رسد - از تیراندازی خودداری کرده بودند ، هر چند عده‌ای از مهاجمین ، خود وی را می‌خواستند از طبقه دوم به پایین پرت کنند که عده‌ای دیگر مانع شده بودند . همچنین در یکی از اعلامیه‌های تحریک آمیز سازمان سیاسی که اخیر منتشر شد ، این سازمان اعلام کرد : « عده‌ای تصمیم دارند به پایگاه ما حمله کنند ، ما مقابله خواهیم کرد و آنان را سرجای خود خواهیم نشاند . » بلافاصله همان روز اطراف ساختمان‌های خود را نورافکن کار گذاشته و روی بام‌ها را سنگربندی کردند و ... »

همچنین در گزارش به نمونه‌ای از تبلیغات مطروحه در منطقه برضد نظام و دولت به نحو زیر اشاره شده است : « چندی پیش اعلامیه‌ای با عنوان و نام تیپ دوم زرهی خوزستان ، در منطقه پخش شد که در آن آمده بود : دولت به ما دستور می‌دهد که اعراب را قتل عام کنیم و در هم بکوبیم ولی ما این کار را نخواهیم کرد و با خلق عرب خود یک دل و یک صدا هستیم و ... »

در بخش‌هایی از این گزارش درباره سلاح‌های موجود در منطقه چنین آمده است : « در شهر کمتر خانه‌ای می‌توان یافت که در آن سلاح وجود نداشته باشد . بنابر اخبار واصله ، بسیاری از جوانان شهر به انواع سلاح‌های سبک مجهز هستند . از جمله تعداد زیادی کلاشینکوف در شهر وجود دارد و اخیر مقدار زیادی نیز از کرمانشاه وارد شده است . مرز کنترل چندانی ندارد . پاسدارانی که یک هفته در مرز بوده‌اند ، می‌گویند با بلیزر شیخ [شبیرخاقانی] هر چند وقت یک

بار تردد می کنند و سلاح می آورند . سرنشینان بلیزر با این استدلال که اتومبیل متعلق به شیخ است ، اجازه جلوگیری و بازرسی نمی دهند . مامورین مرزی که از ژاندارمری هستند یا می ترسند و جرات جلوگیری ندارند و یا خود با شیخ همراهند . سلاح از راه آبی نیز وارد می شود که اطلاع دقیقی از آن در دست نیست اما عبور سلاح از راه آبی ، بی شک راحت تر و آسان تر از راه خشکی مرز است . « راجع به اطرافیان آیت الله شبیر خاقانی در گزارش آمده است : « اکثر افرادی که دور شیخ شبیر را گرفته اند ، از اسلام بویی نبرده اند . آنان در حال حاضر از شیخ حرف شنوی دارند ولی زمانی که به سودشان نباشد به او نیز اعتنایی نمی کنند . » (ضمیمه دارد)

همچنین درباره موقعیت کانون فرهنگی - نظامی انقلابیون مسلمان خرمشهر چنین آمده است : « در حال حاضر کلیه پاسداران خرمشهر ، از کانون فرهنگی - نظامی هستند که البته حکم پاسداران انقلاب را نیز دارند (احتمالاً از آقای رفیق دوست) . * این کانون در شهر کلاس های مختلفی دایر کرده است که آموزش های نظامی و ایدئولوژیکی به جوانان می دهد . امور مربوط به رسیدگی به فقرا و یا کارگران و نیز کارهایی چون جلب و بازداشت افراد توسط اعضای کانون انجام می شود . افراد مسلح و مسلط این کانون حدود صد نفرند و حداکثر بیشتر از صد و پنجاه نفر نمی باشند که این ، نکته بسیار قابل توجهی است . »

به گزارش مذکور مطلب دیگری با عنوان “ پیشنهادات درباره آبادان و خرمشهر ” پیوست شده که در آن آمده است :

« ۱ - اولین مسئله ای که باید مورد توجه قرار گیرد این است که مناطق عرب نشین خوزستان مورد سخط رژیم سابق بوده است . لذا اهالی آن در فقر ، گرسنگی ، آوارگی و محرومیت به سر می برند ، طوری که با دادن دو کیلو برنج به یک روستایی عرب ، او را به هر فکری می توان سوق داد .

۲ - شیخ محمد طاهر آل شبیر خاقانی شخص خطرناکی است که باید به قم منتقل شود .

۳ - باید از عرب زبانان ، افراد صالح که بتوانند برای سپاه فعالیت بکنند شناسایی شوند و برای خدمت به همان عرب ها به کار گرفته شوند .

۴ - انقلاب ایران بر عراق با ۸۵٪ شیعه تاثیر فراوانی گذاشته است . لذا عراق از آن در هراس است و با فرستادن عناصر عراقی و چپ به این مناطق (آبادان ، خرمشهر و ... که در مرز عراق قرار دارند) و نیز با ارسال اسلحه ، مهمات و غیره قصد دارد منطقه را ناآرام نگهدارد و امتیاز به دست آورد . بنابراین باید مرزها کنترل و افراد قاچاقچی شناسایی و عوامل آنها دستگیر شوند .

۵ - باید مراکز فرهنگی به زبان عربی احداث شود و سعی شود در تمام برنامه هایی که

* در خصوص مرجع صادر کننده احکام مسئولان سپاه های مناطق مختلف کشور در ماه های اول انقلاب نظرهای دیگری هم وجود دارد . از جمله بنا به اظهار سردار غلامعلی رشید ، حکم خود ایشان و شهید جهان آرا را سید محمد غرضی امضاء کرده بود .

مربوط به مناطق عربی است از عرب ها استفاده شود و باید (مرکز الثقافی الاسلامی) را تقویت نمود .

۶ - مسائل رفاهی و عمرانی چون تامین آب ، برق ، مسکن و غیره به صورت فوری و با استفاده از افراد داوطلب همان مناطق انجام گیرد .

۷ - مدارس دولت عراق در خرمشهر و آبادان پایگاهی است برای تبلیغات و فعالیت ناسیونالیسم عرب و افراد چپ گرا ، لذا باید درباره آن تصمیماتی اتخاذ کرد . « (۱) »

۲

در پی دامن زدن به اختلافات کرد و ترک در شهر "نقده" به تحریک جریان های فعال ضدانقلاب در منطقه [در کتاب روز شمار ، جلد اول آمده است .] ، امروز جمعیت کثیری که در روزنامه کیهان « ۲ هزار نفر از نمایندگان مختلف مردم شهرستان نقده و روستاهای تابعه » توصیف شده اند ، در اداره مخابرات نقده دست به تحصن زدند و خواستار تامین امنیت کامل منطقه با استقرار هنگ ژاندارمری شدند . به گزارش روزنامه کیهان تحصن کنندگان ضمن صدور قطعنامه ای خواستار موارد زیر گردیدند : « ۱ - تامین امنیت کامل منطقه اعم از شهر و روستاها با ادامه استقرار نیروهای نظامی تا تشکیل و سازمان دهی عملی هنگ ژاندارمری این شهر . ۲ - تاعزام هیئتی ذیصلاح از جانب دولت مرکزی برای بررسی علل وقایع و احوال فعلی و رسیدگی به مسائل جاری و شناسایی مسببین این واقعه مرگبار ، در اداره مخابرات شهرستان تحصن اختیار کرده و انجام هر گونه مذاکره با هر گروه سیاسی و نظامی را تحریم می کنیم و اگر تا ۴۸ ساعت دولت نسبت به این تحصن بی تفاوت باشد ، تبدیل به اعتصاب غذا خواهد شد و ما از جوامع بین المللی برای رسیدگی به این فلاکت استمداد خواهیم کرد . « (۲) »

گروهی دیگر از مردم نقده نیز در جلو منزل حجت الاسلام محرراجتماع کردند و خواستار استقرار هنگ ژاندارمری در این شهر شدند . اجتماع کنندگان تاکید کردند : « چنانچه به این خواسته توجه نشود ، به دلایل امنیتی ما مجبوریم از شهر و کاشانه خود کوچ کنیم . » در همین حال حاج ابراهیم محرر (امام جماعت شیعیان نقده) با صدور اعلامیه ای خروج ساکنان شهر نقده را با اسباب و اثاث منزل به منظور تغییر محل سکونت تحت هر عنوانی ممنوع اعلام کرد و تاکید نمود در صورت مشاهده چنین وضعی ، از این قبیل حرکات شدید جلوگیری خواهد شد . در قسمتی از این اعلامیه آمده است : « از کلیه برادران مسلمان انتظار دارد که به منظور تقویت حسن اخوت و همدینی از همه مراجعانی که به دلایل امنیتی خانه و کاشانه خود را ترک کرده اند در نهایت محبت و انسانیت استقبال و در پذیرایی از همشهریان کرد از کلیه امکانات استفاده کنند . « (۳) »

۳

روزنامه کیهان از کردستان خبر داد که به دنبال بروز چند مورد ناامنی در جاده های کردستان ، رفت و آمد شبانه وسایط نقلیه در این جاده ها کاهش یافته است و با تاریک شدن هوا مسافران و

رانندگان کامیون‌ها اغلب در شهرها و یا نقاط امن توقف می‌کنند. حادثه چند روز قبل راه «سنندج - کرمانشاه» که در آن ۳ نفر در گردنه «درکه» به قتل رسیدند از مواردی است که سبب نگرانی شده است. (۴)

۴

سید «اسدالله امیرقهرمانی» استاندار جدید ایلام ضمن مصاحبه‌ای مطبوعاتی اعلام کرد: «کثرت اسلحه در دست مردم در استان ایلام باعث سلب آسایش عمومی در این استان شده است. «وی افزود: «با تحقیقاتی که به عمل آمد روشن شد که عده‌ای سلاح‌هایی را به مرز عراق برده و به نوع دیگر تبدیل کرده‌اند. بنابراین برای تامین آسایش و آرامش مردم و جهت جمع‌آوری کلیه سلاح‌هایی که در جریان انقلاب به دست مردم افتاده و یا از خارج وارد شده و نیز برای کنترل شدید مرز، اقدامات لازم صورت گرفته است.» (۵)

۵

نشریه پیکار ارگان «سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر» طی تفسیری از حوادث کردستان و ترکمن صحرا، پاسداران کمیته‌های انقلاب اسلامی را «ابزار امپریالیسم» خواند. پیکار در این باره چنین نوشت: «حمله و تیراندازی عناصر کمیته صفدری به مردم بی‌گناه سنندج، گلوله باران میتینگ آرام کانون فرهنگی خلق ترکمن به وسیله عناصر کمیته گنبد، تیراندازی عناصر کمیته شماره ۱ نقده به سوی مردم کرد، همین‌طور تیراندازی عناصر کمیته شماره ۲ نقده بر روی مردم ترک، همه و همه بیانگر این است که بسیاری از کمیته‌ها بدل به لانه ضدانقلاب و پناهگاه امنی برای توطئه‌چینی‌های عوامل مزدور امپریالیسم شده است...»

پیکار افزود: «با ورود مجاهدان اعزامی از کمیته ارومیه - حسنی مرتجع - کشتار، ابعاد وسیع‌تری به خود می‌گیرد. مجاهدان با فریب کردها به وسیله چسباندن عکس از رهبر کردستان - آیت الله حسینی - بر روی زره‌پوش و با پوشاندن سر و صورتشان به وسیله پارچه‌ای محلی - آغاپانو - خود را به شکل کردها در آورده و پس از نزدیک شدن به پیش‌مرگ‌های کرد، آنها را بی‌رحمانه به گلوله می‌بندند و...» (۶)

۶

روزنامه مردم ارگان حزب توده ایران طی مطلبی تحت عنوان «توطئه سکوت در مورد حزب توده ایران»، سکوت ارگان‌های انقلابی وابسته به دولت، رادیو و تلویزیون و شخص نخست وزیر را در مورد نقش حزب توده در انقلاب محکوم کرد. در بخشی از این مطلب آمده است: «توطئه سکوت در مورد حزب توده ایران، آن هم پس از پیروزی انقلاب مردم ایران، آن هم از جانب ارگان‌هایی که زاده این انقلاب اند، تازگی دارد، عجیب و غیرطبیعی هم هست. بویژه آن که این توطئه سکوت با تبعیض همراه است. یعنی ارگان‌های دولتی درباره همه سازمان‌های سیاسی صحبت می‌کنند و به طور کلی مثبت هم صحبت می‌کنند، ولی در کنار حملات ونیش‌های مستقیم و غیرمستقیم به حزب توده ایران غالباً در مورد فعالیت و نظریات حزب توده ایران

سکوت اختیار می‌کنند. مثلاً آقای نخست وزیر، هنگامی که از سهم سازمان‌های سیاسی در پیروزی انقلاب مردم ایران سخن می‌گوید، از همه نام می‌برد، جز حزب توده ایران، ما هم سهم این سازمان‌ها را در پیروزی انقلاب ایران تاکید می‌کنیم، ولی سکوت در مورد حزب توده ایران، حزبی که - اگر بخواهیم منصفانه قضاوت کنیم - همواره زیر شدیدترین فشارهای امپریالیسم و رژیم پهلوی قرار داشته، حزبی که به خاطر مبارزه اش در راه استقلال و آزادی ایران، هزارها زندانی، هزارها تبعیدی و صدها کشته داده، حزبی که در پیروزی انقلاب ضدامپریالیستی و دمکراتیک مردم ایران بدون تردید سهم برجسته‌ای داشته، آری، سکوت درباره چنین حزبی چه معنی دارد؟

آیا آقای نخست وزیر می‌خواهد این مبارزه‌ها، این فداکاری‌ها، این قربانی‌ها را نفی کند؟! یا آقای نخست وزیر واقع تصور می‌کند که حزب توده ایران - طبق قوانین رژیم طاغوتی - "غیرقانونی" است؟! و یا این که رادیو و تلویزیون، اعلامیه‌ها و اطلاعیه‌ها و اظهار نظرها و پوستره‌های همه سازمان‌ها و گروه‌های سیاسی را پخش می‌کند - و باید هم بکند - جز حزب توده ایران، این سکوت و تبعیض آشکار، در جریان جشن اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت، روز کارگر) بیش از هر زمان دیگری به چشم خورد. « (۷) »

۷

نسبت دادن ترور سرلشکر قره‌نی و استاد مطهری به گروه‌های کمونیستی از سوی عده‌ای از مردم در تظاهرات و تجمعات مربوط به این حادثه که به صورت شعار "مرگ بر کمونیسم" ظاهر شد و بخصوص تایید تلویحی آن توسط حجت الاسلام‌هاشمی رفسنجانی طی سخنانی در مدرسه فیضیه قم (ضمیمه دارد) با واکنش و انتقاد گروه‌ها و احزاب کمونیستی مواجه شد؛ از جمله کمیته مرکزی حزب توده ایران در این باره اعلامیه‌ای به شرح زیر انتشار داد: «به دنبال ترور سرلشکر قره‌نی، ترور آیت الله مرتضی مطهری، که یکی از هم‌زمان نزدیک امام خمینی بود، به حق احساس اندوه و تاسف عمیق همه محافل ملی و دمکراتیک جامعه ما را برانگیخت. مردم ایران طی مراسم و راه‌پیمایی‌های نیرومندی، خشم و نفرت خود را از این شیوه غدارانه آدم‌کشان ضدانقلابی نشان دادند. حزب توده ایران، بر حسب معتقدات اصولی خود، ترور و



حجت‌الاسلام‌هاشمی رفسنجانی

از اعضای شورای انقلاب و موسسین حزب

جمهوری اسلامی

تروریسم را محکوم می‌کند و تاسف عمیق خویش را از این حادثه ابراز می‌دارد . این که نیروهای ضدانقلابی ، تروریسم را جانشین مبارزه سیاسی کرده‌اند ، نشانه ضعف و انفراد آنها است . در پس ترورهای اخیر ، تشخیص چهره سیاه کار سازمان‌های جاسوسی امپریالیستی ، صهیونیستی و دستگاه ورشکسته ساواک دشوار نیست . تنها این نیروها هستند که سود خود را در چنین تبهکاری‌هایی جست‌وجو می‌کنند و به این شیوه‌های بربرمنشانه دست می‌زنند . درست همین نیروهای سیاه هستند که می‌کوشند این شیوه بربرمنشانه را به نیروهای چپ و به کمونیست‌ها نسبت دهند و بدین ترتیب ، با یک تیر دو نشان بزنند : هم این توطئه جنایت کارانه را از خود دور کنند و هم نیروهای چپ و کمونیست‌ها را متهم سازند و سرانجام باز هم به هدف اساسی خود ، یعنی تفرقه بین نیروهای انقلابی و در نتیجه تضعیف جنبش انقلابی دست یابند .

متأسفانه نیروهای راست می‌کوشند نشانی تروریست‌ها را در جای دیگر ، در سمت چپ نشان دهند و بدین وسیله به تبلیغات ضد کمونیستی دامن بزنند . این نیروها که می‌کوشند (از جمله در تظاهرات به مناسبت شهادت آیت الله مطهری) در شناخت دوستان و دشمنان انقلاب ، در مردم سر در گمی ایجاد کنند و دشمنان اصلی انقلاب مردم ایران را از زیر ضربه خارج سازند ، درست در جهت خلاف نظریات و اعتقادات رهبر انقلاب ، امام خمینی ، عمل می‌کنند که بارها و بارها ، از جمله در مورد ترورهای اخیر ، تاکید کرده است که دشمن اصلی انقلاب مردم ایران ، امریکا و عمال ایرانی آن است و بر ضد اینها است که می‌باید مبارزه کرد و اینها هستند که باید سرکوب شوند .

روشن است که نیروهای چپ و کمونیست‌ها ، به معنای جدی و صدیق این کلمه ، نه فقط سودی از تضعیف انقلاب و بازگرداندن جامعه به زیر یوغ امپریالیسم ندارند ، بلکه درست همان‌ها هستند که در صفوف پی‌گیرترین و مبارزترین نیروهای انقلابی ، برای افشای توطئه‌های امپریالیسم ، به سرکردگی امپریالیسم امریکا ، سرکوب ضدانقلاب ، حفظ و تحکیم دستاوردهای انقلاب و گسترش و تعمیق انقلاب سرسختانه پیکار می‌کنند .

جامعه ما به “ وحدت کلمه ” به اتحاد همه نیروهای انقلابی علیه دشمن اصلی و دیرین خود ، امپریالیسم و ارتجاع ، نیاز حیاتی دارد و تنها این شیوه است که می‌تواند انقلاب را بازگشت ناپذیر کند . « (۸)

گروه مائوئیستی موسوم به “ اتحادیه کمونیست‌های ایران ” نیز با انتشار اطلاعیه‌ای به شرح زیر این گونه نسبت دادن را تحریک آمیز خواند .

« شهادت آیت الله ، استاد مطهری ، به دست یک تروریست ضدانقلابی اگر برای همه مردم ما موجب اندوه و عزا گردید و مردم ما در سوگ این شهید نشستند ، برای عده‌ای که از مدت‌ها پیش به دنبال فرصت برای نفاق افکنی و ضربه زدن به وحدت انقلابی مردم ما می‌گشتند و برای آن روزشماری می‌کردند ، فرصتی شد تا با سوءاستفاده از احساسات پاک مردم ، آنها را برعلیه

نیروهای انقلابی و اتحاد و یگانگی مردم تحریک کرده و بشورانند. آقای رفسنجانی، یکی از بنیان‌گذاران "حزب جمهوری اسلامی" در مراسم بزرگداشتی که در روز جمعه ۱۴ اردیبهشت در مدرسه فیضیه قم برگزار شده بود، عملاً چنین کرده. او ترور مرتجعانه و ضدانقلابی استاد مطهری، که آشکارا از جانب عمال ساواک و امپریالیسم و به منظور ضربه زدن به انقلاب و ایجاد نفاق و تشتت در صفوف انقلاب انجام شده بود، را بدون احساس کوچکترین مسئولیتی، به گردن کمونیست‌ها گذاشت و عملاً آنها را مسئول و عامل ترور استاد شهید مطهری معرفی کرد و مردم را برای گرفتن انتقام خون او بر علیه کمونیست‌ها تحریک نمود. او زمانی چنین تهمت بزرگی را به کمونیست‌ها می‌زند که خود خوب می‌داند که کلیه سازمان‌ها و گروه‌های انقلابی و کمونیستی، این ترور ضدانقلابی را شدید محکوم و خواستار مجازات عاملین آن شده‌اند، او در زمانی این چنین لجام گسیخته مردم را علیه یکدیگر می‌شوراند که امام خمینی، به درستی، این ترور ضدانقلابی را محصول تلاش‌های مذبوحانه بازماندگان رژیم گذشته دانسته و مردم را به اتحاد و یگانگی در مقابل ارتجاع و امپریالیسم دعوت نموده است. او در زمانی این چنین تخم نفاق و چند دستگی و جنگ داخلی را در دل مردم ما می‌کارد، که آیت الله طالقانی، به درستی، همه نیروها را به اتحاد و یگانگی دعوت کرده و گوشزد نموده‌اند که قاتلین استاد مطهری، هدفی جز دامن زدن به تشتت و جدایی و تروریسم ندارند.

آقای رفسنجانی، شما دارید از آبی ماهی گیری می‌کنید که ساواک و عمال امپریالیسم گل آلود کرده‌اند. مگر نمی‌دانید که از این اعلان جنگ، چه نیروهایی سود خواهند برد؟ مسئولیت خون صدها انسان مبارز و بی‌گناهی که فردا بر خاک ریخته خواهد شد به عهده کیست؟ آقای رفسنجانی، خوب فکر کنید و به عاقبت آنچه می‌گویید بیندیشید، منافع محدود و تنگ نظرانه‌تان را کنار بگذارید و به منافع انقلاب و ادامه آن فکر کنید، زیرا از این راه به هیچ کجا نخواهید رسید. خون مردم پلکان ترقی شما نخواهد بود.

مردم آزاده و قهرمان ایران هوشیار باشید و نگذارید شما را بازیچه دست توطئه‌های ارتجاعی کنند و به سود ارتجاع و امپریالیسم به جان یکدیگر اندازند.

آقایان آیات عظام و رهبران مذهبی، هوشیار باشید و در این لحظات حساس و بحرانی که کوچکترین خطایی می‌تواند موجب پی آمدهای وحشتناک و جبران ناپذیری گردد، به مسئولیت انسانی، ملی و مبارزاتی خود عمل کنید و از کسانی که این چنین تخم نفاق و بداندیشی و برادر کشی را در دل مردم می‌کارند، پرهیز کنید.

کارگران و زحمت کشان ایران هوشیار باشید و صفوف خود را متحد و یکپارچه نگه دارید. هموطنان به هوش باشید، توطئه شومی در شرف تکوین است. سازمان‌ها، گروه‌ها و محافل مترقی و انقلابی هوشیار باشید و متحد و یکپارچه عمل کنید. « (۹)

۸

روزنامه بامداد با درج مقاله‌ای به قلم سعید محمدجعفری به بررسی وضعیت خریدهای

تسلیماتی ارتش در رژیم گذشته، برخی پروژه‌های آن و نیز اقدامات انجام شده در مورد لغو قراردادهای خارجی پس از پیروزی انقلاب پرداخت و نوشت: « رژیم ایران در گذشته برای ارتش اهمیت ویژه‌ای قائل می‌شد و سعی داشت هم از لحاظ کیفی و هم کمی در زمینه گردآوری تسلیحات مدرن دنیا مقام اول را داشته باشد. این علاقه تا به آن جا گسترش یافته بود که صرف نظر از تسلیحات اتمی، در میان سلاح‌های مدرن و پیچیده‌یی که هر روز صنایع نظامی غرب (بخصوص آمریکا) بیرون می‌دادند، مدرن‌ترین و پیچیده‌ترین‌ها را بر می‌گزید و غالب با نفوذی که در این صنایع داشت، آنها را به دست می‌آورد، بی آنکه در این اندیشه باشد که توانایی کاربرد واقعی همه آنها را ندارد.

آنچه ذکرش ضروری است و تا به حال به آن توجه نشده، آن است که این عدم توانایی به این سبب نیست که ایرانیانی که می‌بایست به کار برنده این سلاح‌ها باشند، از دانش و بینش کافی برای این منظور برخوردار نبودند، بلکه به علت فسادی که وجود داشت، در قراردادهایی که به امضا می‌رسید، اعمال نفوذ و بهره‌برداری‌های مالی ریشه دوانیده بود و اکثر به ضرر کشور ما تمام می‌شد. مثلاً پرسنلی که چه به عنوان مستشار نظامی و چه به عنوان کارشناس غیرنظامی برای تعلیم ایرانیان به این جا می‌آمدند، اکثر خود فاقد معلومات لازم و کافی در زمینه کارشان بودند و در رتبه‌های چهارم و پنجم قرار داشتند، رتبه‌هایی که در خود کشورشان محلی برای استخدام آنها وجود نداشت. با این وصف، این افراد زمانی که در ایران کار می‌کردند از حقوق و مزایای بسیار بالا برخوردار بودند که به هیچ وجه شایستگی و لیاقت دریافت آن را نداشتند. «

مقاله، تحت عنوان لغو قراردادهایه نحو زیر ادامه می‌یابد:

« ارتش ایران در گذشته سلاح‌های بسیار پیچیده‌یی را تحویل گرفته است و قراردادهای متعددی هم منعقد شده بود تا در آینده ایران صاحب سلاح‌های پیچیده تر و جدیدتری شود که ظاهر همه این قراردادها بتدریج در دوران انقلاب به حالت معوق درآمد و بعد توسط دولت انقلاب فسخ شد که عبارتند از:

- ۱ - ۱۴۰ فروند شکاری - بمب افکن سبک اف - ۱۶ ساخت جنرال داینامیکز به ارزش ۳/۶ میلیارد دلار؛
- ۲ - ۷۶ فروند هواپیمای بسیار پیشرفته اف - ۱۴ - تامکت ساخت ...؛
- ۳ - ۳۱ فروند شکاری - بمب افکن فانتوم اف - ۱۴ - یی ساخت مک دانل داگلاس؛
- ۴ - ۷ فروند رادار پرنده بوئینگ یی - ۳ - ای - ای - دابلیو - ای - تی . اس به ارزش ۱/۲ میلیارد دلار؛
- ۵ - ۵ فروند هواپیمای اکتشافی فانتوم آر - اف - ۴ - تی؛
- ۶ - ۱۶ فروند هواپیمای اکتشافی فانتوم آر - اف - ۴ - بی به ارزش ۲۱۹ میلیون دلار؛
- ۷ - ۱۰۰۰ قبضه موشک ضد تشعشع هوا به زمین "شرایک"؛
- ۸ - ۳ فروند زیردریایی به ارزش ۶۶ میلیون دلار (از کلاس تانگ)؛

۹ - ۴ فروند ناوشکن سنگین (از کلاس اسپروآنس) به ارزش ۱/۴ میلیارد دلار ؛
 ۱۰ - ۳۶۰ قبضه موشک ضد هوایی (هاوک پیشرفته) به ارزش ۳۰ میلیون دلار ؛
 ۱۱ - ۲۰۰ قبضه موشک سطح به سطح " هارپون " به ارزش ۱۰۰ میلیون دلار ؛
 ۱۲ - ۴۰۰ قبضه اژدر " مارک - ۴۶ " به ارزش ۴۷ میلیون دلار ؛ به انضمام تعدادی نامعلوم موشک‌های ضدتانک " دراگون " هوا به هوای (اسپارو سایدویندر) ضدتانک " تو " و هوا به هوای " فینیکس " ؛
 ۱۳ - ۱۳۹۰ تانک پیشرفته " چیفتین " به ارزش ۲ میلیارد دلار : ۱۶۵ " شیر ایران - " ۱ و ۱۲۲۵ " شیر ایران - " ۲ (پیشرفته) ؛
 ۱۴ - ۵ کشتی به ارزش ۱۰۵ میلیون دلار ؛
 ۱۵ - مجتمع صنعتی نظامی در اصفهان به ارزش ۱/۵ میلیارد دلار ؛
 ۱۶ - تسهیلات تعمیر و نگهداری پایگاه‌تانک در درود ۱۶۰ میلیون دلار .
 به غیر از آنچه ذکر شد ، ایران قراردادهای خرید اسلحه با کشورهای دیگری از جمله آلمان ، فرانسه ، سوئیس ، ایتالیا ، سوئد ، هلند ، اسپانیا و ... داشته است که اینها هم گویا ظاهر لغو شده‌اند .
 نویسنده مقاله خود را با عنوان " چه داریم ؟ " چنین ارامه می‌دهد :

در یک قضاوت بی طرفانه ، ارتش ایران گرچه پس از پیروزی انقلاب هنوز در مرحله بازسازی است ، ولی همان طور که " تیمسار ریاحی " وزیر دفاع ملی اظهار داشته‌اند ، برای آن میلیاردها ریال پول خرج شده ، تا بهترین متخصصین در رشته‌های گوناگون علمی و فنی تربیت شوند و سلاح‌های مختلفی که تا به حال خریداری شده ، گرچه شاید به آن اندازه مورد احتیاج ما نبوده ، ولی آنچه را که باید در نظر داشت ، آن است که ما آنها را داریم و بهای آنها را هم قبلا پرداخته‌ایم و کم و بیش قادر به استفاده از آنها هم هستیم . می‌ماند نحوه استفاده که آن هم بر عهده برنامه ریزان سیاست تدافعی کشور است که حتم برنامه‌هایی تدوین کرده‌اند .

در میان تجهیزات گوناگونی که ارتش ایران از آنها سود می‌برد ، هواپیماهای " اف - ۱۴ " بیش از دیگر سلاح ها مورد توجه خبری قرار گرفته‌اند ، در حالی که سری‌ترین پروژه ارتش ایران در گذشته یعنی " آیبکس " * انعکاس چندانی نداشته است . همان گونه که اشاره شد سری‌ترین پروژه‌یی که ارتش ایران ، سابق بر این ، دست اندرکار آن بود " آیبکس " نام دارد .

پروژه " آیبکس " از سال ۱۹۷۴ در ایران آغاز شد و قرار بود در سال ۱۹۷۸ پایان یابد ولی معلوم نیست که این پروژه تا پیش از انقلاب در چه مرحله‌یی بوده و اکنون در چه مرحله‌یی است .

" آیبکس " را شبکه‌های گسترده‌یی متشکل از سیستم‌های معمول هوایی و مستقر در زمین برای کنترل ارتباطات و فعالیت رادارهای کشورهای همسایه ایران تشکیل می‌دهد .

پیمانکار عمده و مشاور این پروژه بخش " آناهیم " از " راکول اینتر نشنال " امریکا بود که سه

* براساس نظر سردار غلامعلی رشید ، " آی وکس " یا " آواکس " است .

تن از کارشناسان آن در ماه اوت ۱۹۷۶ در تهران ترور شدند .
 « آیبکس » که تخمین زده می‌شد ، ۵۰۰ میلیون دلار هزینه در بر داشته باشد و در دو مرحله به پایان برسد ، عبارت بود از ۴ فروند هواپیما (دو بوئینگ ۷۰۷ و ۳۲۰ سی و دو فروند سی - ۱۳۰) و تعدادی ایستگاه‌های مستقر در زمین . این دستگاه‌ها همه مجهز به آنتن‌های ویژه‌ای هستند که می‌تواند محل ، ماهیت ، نحوه عمل ، مشخصات و ویژگی‌های کلیدی گسیلنده‌های الکترو مغناطیسی کشورهای همسایه را ضبط نماید که پس از ضبط ، این داده‌ها به ایستگاه مرکزی می‌رود تا در آن جا مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد .

برای پروژه « آیبکس » حداقل ۱۰۰ ایرانی تربیت شده بودند و کارشناسان خارجی این پروژه را افراد بازنشسته « سیا » و آژانس امنیت ملی امریکا تشکیل می‌دادند . همچنین ایران موافقت کرده بود اطلاعات حاصل توسط این سیستم را در اختیار « سیا » نیز بگذارد . « (۱۰) »

۹

امیرانتظام (معاون نخست وزیر و سخنگوی دولت) در یک مصاحبه مطبوعاتی درباره دو موضوع مهم مربوط به سیاست داخلی و سیاست خارجی کشور اعلام نظر کرد .

وی در مورد لغو قراردادهای دو جانبه ایران و امریکا گفت : « در این زمینه بیش از هزار قرارداد است که بسیار مفصل است و کارشناسان در آغاز باید مطالعات خود را در مورد آنها به اتمام برسانند . » انتظام همچنین در مورد محدود کردن فعالیت گروه‌های چپ اظهار داشت : « دولت منتهای قدرت خود را در متوقف کردن فعالیت هر گروه ضدانقلابی به کار خواهد گرفت چه این گروه‌ها وابسته به چپ باشند و چه راست و چه میانه‌رو . البته پخش و انتشار اعلامیه‌ها و چاپ روزنامه‌ها اشکالی ندارد ولی اگر بر خلاف مصالح مملکت اقداماتی انجام بگیرد صرف نظر از این که چه گروهی باشند با کمال قدرت جلو فعالیت‌های آنها گرفته خواهد شد . » (۱۱)

۱۰

دکتر ابراهیم یزدی (وزیر امور خارجه ایران) در مصاحبه‌ای با هفته نامه تایم چاپ امریکا درباره روابط آینده ایران و امریکا و سیاست خارجی جمهوری اسلامی به نحو زیر اظهار نظر کرد : « ایالت متحده اگر می‌خواهد روابطش را با دولت ایران بهبود بخشد ، باید خودش پیشقدم شود . ضدیت با امریکا به این سبب در ایران موضوعی حاد شده که صهیونیسم در بافت سیاست ایالات متحده است . اسرائیل بزرگترین بازنده انقلاب ایران است . آنها بهترین پایگاه خود را در خاورمیانه از دست دادند . شاه به آنها هرچه می‌خواستند می‌داد . ایران قصد دارد از سیاست عدم تعهد با بی طرفی مثبت پیروی کند . ایران در کشاکش بین ابرقدرت‌ها بی طرف خواهد ماند ولی از این جهت نیز که خودمان را نباید منزوی سازیم مثبت خواهیم بود . هر که حاضر شود از آرمان ما حمایت کند ، با ما روابط دوستانه خواهد داشت . بر ایالات متحده است که سیاستش را تغییر دهد نه بر ایران . دولت ایران نمی‌تواند از این استنتاج اجتناب کند که امریکاییان در هر مورد قتل ، شکنجه و فساد که در گذشته ایران وجود داشته است دخالت داشته‌اند . ایرانیان نیت بدی

ندارند ، ولی فراموش کردن هم برایشان دشوار است . « (۱۲)

۱۱



حضرت امام خمینی

رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران

سرهنگ معمر قذافی رهبر شورای انقلاب خلق لیبی پیامی برای امام خمینی رهبر انقلاب اسلامی ایران فرستاد که توسط سرگرد جلود نخست وزیر آن کشور تسلیم امام شد . رهبر لیبی در بخشی از این پیام یادآور شده است : « ملاقات مسلمانان لیبی در ایران در فردای پیروزی ملت مسلمان ایران بر شاه پس از آن که خلق مسلمان لیبی نیز قبلاً همین راه را پیموده و بر استعمار و ارتجاع و فساد غلبه یافته بود ، آن گونه انجام نگرفت که من انتظار داشتم . من در انتظار ملاقات شکوهمندی با انقلاب اسلامی زیر پرچم سبز رنگ اسلامی بودم که جوامع کفر و

بت پرستی مدرن جهان را به لرزه درآورد و مسلمانان زجر کشیده شرق و غرب بدان مباحثات ورزند ... گذشته‌ها هر چه بود و عوامل شکل دهنده آن به هر صورت گذشت ، ولی خلق مسلمان و انقلابی لیبی یک لحظه از یاری و پشتیبانی شما دست بر نخواهد داشت و هر چه قدرت در اختیار دارد به محض درخواست شما بی درنگ در اختیارتان قرار خواهد داد . برادران انقلابی شما در لیبی حمایت از انقلاب اسلامی ایران را بر خود واجب می‌دانند . « رهبر لیبی در پیام خود تأکید کرده است : « من بی نهایت شیفته ملاقات برادران ایرانی و رهبران انقلاب و بویژه حضرت عالی می‌باشم و نظر به این که چنین دیداری هنوز فراهم نشد ، به یاری خدا به انجام این آرزو امید بسته‌ام . برادرم سرگرد عبدالسلام جلود را که شخصیتش برای حضرت عالی شناخته شده است حضورتان اعزام داشته تا نخستین دیدار انقلابی را میان رهبران انقلاب ایران و لیبی انجام دهد . به امید آن که این ملاقات سنگ بنای وحدت اسلامی آینده باشد و به آرزوی تماس و ارتباط بیشتر و دیدارهای متعدد دیگر و امید آن که حضرت عالی پیام ما را پاسخ داده ، نظریات و پیشنهادهای خویش را ارائه فرمایید . « (۱۳)

امام خمینی در پاسخ به پیام سرهنگ قذافی با مسکوت گذاشتن درخواست‌های وی و تأکید بر روی اسلام نوشتند : « این اسلام و عقیده بود که ما را پیروز کرد . ملت‌ها و دولت‌ها اگر بخواهند به پیروزی و هدف‌های اسلامی به تمام ابعادش که سعادت بشر است برسند ، باید اعتصام به حبل الله کنند ، از اختلافات و تفرقه بپرهیزند و فرمان حق تعالی " و اعتصموا بحبل الله جميعا و لا تفرقوا " را اطاعت نمایند . پشت کردن به تعالیم عالیه اسلام و روی آوردن به غرب و

شرق ، مسلمین را با قریب یک میلیارد جمعیت و مخازن بسیار غنی تحت سیطره اجانب درآورده و شعائر و مخازن آنها را به باد داده است . شما دیدید و ما هم شاهد بودیم که وحدت کلمه یک ملت شجاع ، ولی ضعیف با اعتماد به اسلام و خدای تعالی موجب غلبه بر غول‌های بین‌المللی شد و دست همه استعمارگران را قطع نمود . پس مسلمین باید برای به دست آوردن استقلال و آزادی ، این کلید پیروزی را به دست آورند و برای وحدت کلمه کوشش کنند . این شما سران دولت‌ها هستید که باید این فکر اسلامی را تعقیب کنید و دست از دشمنی و مخالفت با برادران خود بردارید ، مسئولیت‌های دولت اسلامی در پیشگاه خدای توانا و در پیشگاه ملت‌ها بسیار بزرگ است . دولت‌های اسلامی باید دولت مصر را در این خیانت بزرگ که به اسلام و مسلمین نموده است به جای خود بنشانند و با آن قطع رابطه کنند . ملت مصر باید دست این جنایتکار را از کشور خود قطع کند و ننگ سرسپردگی به امریکا و صهیونیسم را از ملت بزدایند . من به دولت دستور دادم که با مصر قطع رابطه نماید . ما دست برادری به تمام ملت‌های اسلام می‌دهیم و از تمام آنان برای رسیدن به هدف‌های اسلامی استمداد می‌کنیم . « (۱۴)

۱۲

امام خمینی امروز در دیدار سفیر "سومالی" با ایشان اظهار داشتند: «دولت‌های عربی به نصایح ما گوش نکردند و با اختلافاتی که بین خودشان با دست‌های اجانب ایجاد گردید ، توجه نکردند و این اختلاف الان هم موجود است و روز افزون می‌شود . من جمله اختلافی که به واسطه قراردادی که بین مصر و اسرائیل پیدا شد به دست اجانب ، به این اختلافات بین مسلمین

و بین دول اسلام دامن زد و از باب این که رشد سیاسی بین اینها نیست ، نتوانستند حل مسائل را بکنند و تن در دادند به یک همچو امر بزرگی ، یک همچو خیانتی که دنبال آن اختلاف بین مسلمین و اختلاف بین دول اسلامی بیشتر شد و موجب تاسف شدید ماست ... « امام در بخش دیگری از سخنان خود افزودند : « و اما راجع به روابط ما با دولت‌های اسلامی بلکه با همه دول یک روابطی است اما با همه دول یک روابط سیاسی است که البته دولت ما با آنها ، روابط را یا ایجاد می‌کنند یا تحکیم می‌کنند و روابط ما با دولت‌های اسلامی همیشه باید قوی باشد . « (۱۵)

۱۳



وارن کریستوفر

معاون وزارت امور خارجه امریکا

دولت امریکا هیئتی به ریاست وارن کریستوفر معاون وزارت خارجه آن کشور ، برای تمديد

قرارداد دو جانبه استقرار پایگاه‌های امریکا در خاک ترکیه به این کشور فرستاد. به گزارش رویتر این پایگاه‌ها برای کسب اطلاعات مربوط به فعالیت‌های تسلیحاتی شوروی برای امریکا اهمیت زیاد دارد. براساس این گزارش به نقل از منابع امریکایی، وارن کریستوفر معاون وزارت خارجه امریکا که ریاست هیئت را به عهده دارد، علاقه مند است موافقتنامه دو جانبه در مورد حفظ پایگاه‌ها را که مدت آن در اکتبر تمام می‌شود، تمدید کند. این منابع گفتند دولت کارتر میل دارد این قرارداد را تمدید کند تا نمایندگان کنگره و سناتورها را به قبول قرارداد "سالت - ۲" در مورد محدود کردن سلاح‌های استراتژیک بین امریکا و شوروی تشویق کنند. (۱۶)

۱۴

سعودالفیصل وزیرخارجه عربستان طی سخنانی که امروز در روزنامه الندوه درج شد، گفت: «امنیت خلیج (فارس) به عهده ملل و دول خلیج (فارس) است و عموم افراد منطقه این امر را احساس می‌کنند و ایمان به خدا و پایبندی آنها به این، خود هنوز مانعی در راه ایدئولوژی‌های ویران کننده و ارائه دهندگان آن می‌باشد و این منطقه خلیج (فارس) را به دریاچه امن و ایمان دائم مبدل ساخته است.» وی درباره روابط عربستان سعودی با امریکا در پی امضاء پیمان صلح مصر و اسرائیل گفت: «روابط دو جانبه میان دو دولت به صورتی تغییر نیافته، که مورد تفسیر قرار گیرد بویژه آن که، هنوز عقیده داریم که ایالات متحده می‌تواند نقشی را برای تضمین تحقق صلح عادلانه و همه جانبه ایفا کند.» (۱۷)

۱۵



مهندس مهدی بازرگان
نخست وزیر دولت موقت

سفارت امریکا در تهران درباره ملاقات روز گذشته چند دیپلمات امریکایی با مهندس بازرگان و امیرانتظام معاون وی، به امضای کاردار "ناس" به وزارت امورخارجه آن کشور با طبقه بندی "محرمانه" و تحت موضوع: "ملاقات با نخست وزیر، بازرگان" چنین گزارش داد: «کاردار به همراهی رایزن موقت سیاسی "استمپل" صبح روز ششم ماه مه با بازرگان دیدن کرد. امیرانتظام معاون نخست وزیر حاضر بود و ترجمه می‌کرد هر چند آشکار بود که بازرگان بیشتر آنچه را به زبان انگلیسی صحبت می‌شد، درک می‌کرد. ملاقات با سلام‌های گرم از همه جوانب آغاز شد. کاردار با لحنی که قبلاً با سایر وزیران صحبت کرده بود، چنین گفت: ایالات متحده نتایج انقلاب ایران را می‌پذیرد و

آرزوی موفقیت دولت موقت ایران را دارد. حکومت ایالات متحده شدید مایل است مناسبات را عادی کند تا آن حد و به میزان سرعتی که دولت موقت ایران میل داشته باشد.

ایالات متحده از تمامیت ارضی ایران و استقلال و ثبات اقتصادی آن پشتیبانی می‌کند. ضمن توجه به این که تبلیغات ضد ایالات متحده در نطق‌ها و رسانه‌های جمعی زیاد بوده است. کاردار تاکید کرد که ایالات متحده در امور داخلی ایران مداخله نمی‌کند و نخواهد کرد. نخست وزیر با تشکر، از اظهارات کاردار استقبال کرد. کاردار گفت: اگر هر آینه شک و تردیدهایی در این مورد پیدا شود، بازرگان یا مقامات ارشد نباید در احضار کاردار یا سفیر، هر گاه که سفیر رسیده باشد، تردیدی به خود راه دهند. صراحت بموقع برای کاهش سوءتفاهم راه خوبی است.

بازرگان با توجه دادن به این نکته که او شخص به مناسبات حسنه ایالات متحده و ایران نظر مساعد دارد پاسخ داد و به ارزش ملاقات‌های قبلی خود با سفیر سولیوان و مامور سیاسی اشاره کرد. مناسبات حسنه با ایالات متحده از اعتقادات شخصی نخست وزیر است و هنگامی که دادن پست وزارت امور خارجه به یزدی مورد بحث بود، نخست وزیر از یزدی درباره این نکته پرسیده بود تا اطمینان حاصل کند که یزدی از مناسبات دوستانه با ایالات متحده پشتیبانی می‌کند. دولت موقت ایران احساس می‌کند که ایالات متحده یقین می‌خواهد که ایران یک قدرت نیرومند باشد و بازرگان قضاوت کرد که ایالات متحده در این که خواستار مناسبات حسنه با ایران است، صمیمیت دارد. اگر ایالات متحده موافقت کند که تعبیر ایران از مقاصد ایالات متحده صحیح است ما معتقدیم که سفیر جدید شما خواهد توانست به ما کمک کند. بازرگان آن گاه گفت که اگر حکومت ایالات متحده اطلاعاتی دارد که به ایران کمک خواهد کرد که از استقلال خود در مقابل دشمنان دفاع کنند، ما قدردانی خواهیم کرد که اگر شما این اطلاعات را به ما برسانید. او خاطرنشان ساخت که انتظام معاون نخست وزیر در این مورد فرد مورد تماس باشد.

نخست وزیر خاطرنشان کرد که ایالات متحده و ایران دارای روابط حسنه اقتصادی و نظامی بوده‌اند. دولت موقت ایران هم همین را می‌خواهد و شاید روابط توسعه یافته اقتصادی، مناسبات نظامی البته تغییر خواهد کرد، خریدهای اسلحه متوقف خواهد شد، ولی دولت موقت ایران نیازمند کمک فنی و لوازم یدکی است. دولت موقت ایران امیدوار است و انتظار دارد تا از کمک مساعد حکومت ایالات متحده در حل مسائل مربوط به خاتمه دادن به این قراردادها و تجدید قراردادها برخوردار شود. انتظام افزود که دولت موقت ایران می‌خواهد که حکومت ایالات متحده درباره تصمیمات مربوط به تجدید قراردادها یا عدم تجدید آنها علیه ما نباشد. انتظام به این مناسبت خاطرنشان ساخت که مبلغ هشت میلیون دلار لوازم یدکی هنوز در انتظار حمل به ایران در تگزاس باقی مانده و خواستار شد در این مورد اقدام بشود. کاردار گفت او در این باره رسیدگی خواهد کرد ولی معتقد است که حمل تمامی محموله هشت میلیون دلاری چند روز قبل آغاز شده است. (هیئت معتقد است که لاقبل یک محموله هواپیما وارد شده است و جزئیات به دولت موقت ایران داده خواهد شد.) انتظام سوال دیگری درباره ورود ۹ هواپیمای

نظامی کرد که درباره آن گزارش شده است و کاردار گفت که اینها ۹ هواپیمای باری است برای حمل بقایای لوازم خانگی و این که هواپیماها به طور متوسط روزی یک فروند یا دو فروند وارد می‌شود، نه همه یک جا و انتظام از این امر اظهار خرسندی کرد.

در پاسخ به سئوالی از کاردار، نخست وزیر چند دقیقه تصویر کلی انقلاب را ترسیم کرد و خاطرنشان ساخت که او آن چه را اخیر در یک گفت و گوی تلویزیونی بیان داشته است، به طور مختصر توضیح می‌دهد. انقلاب ایران با سرعت موفق شده است و این امر دشواری‌های زیادی را ایجاد کرده است، ولی دولت موقت ایران می‌کوشد اوضاع را جمع و جور کند و به مقابله با مشکلات بویژه درباره امنیت بپردازد. انتظام افزود که دولت موقت ایران از پشتیبانی ۹۹ درصد از مردم که حاضرند از بسیاری چیزها بگذرند تا انقلاب موفق شود برخوردار است، ضمن نگرانی درباره این که قتل اخیر رهبران نهضت اسلامی (سرلشکر قره‌نی و آیت الله مطهری) نگرانی عمومی را افزایش داده است. بازرگان گفت: بر این مشکلات غلبه حاصل خواهد شد. طرح قانون اساسی جدید در دست تهیه است، ولی یک یا دو ماه طول خواهد کشید که به شکل نهایی به مردم عرضه شود، در ضمن، قانون جدید انتخابات اخیرا تکمیل شده، به طوری که تدارکات برای انتخاب مجلس موسسان در جریان است. شاید دو یا سه ماه دیگر لازم خواهد بود که این فراگرد [فرایند] نیز به تکمیل برسد و این نمونه مسائلی است که از موفقیت سریع انقلاب ناشی شده است.

اظهارنظر [کاردار]: بازرگان و انتظام ظاهر صمیمانه و به طور مثبت اظهارنظر می‌کردند ولی برای تصویر چهره خوشایندی از انقلاب که بتدریج دستاوردهای خود را تحکیم می‌بخشد اندکی در زحمت بودند. چون بحث در پایان این ملاقات صورت گرفت، کاردار در انتظار نماند تا عکس العمل آنها را درباره مشکلات پر تضاد سازمان سیاسی دریافت دارد و نظری که در بالا ذکر شده است شاید نظری است که به "خط حزبی" جهت دولت موقت اسلامی ایران تا اندازه زیادی نزدیک است. « (۱۸)

ضمیمه خبر شماره ۱

آیت الله شیخ محمد طاهر آل شبیرخاقانی از جمله روحانیون صاحب رساله خرمشهر است که پس از حوادث سال‌های ۴۳ - ۱۳۴۰ با حمایت‌های آیت الله شریعتمداری موقعیتی را در شهر به دست آورد و با استقرار در مسجد امام صادق (ع) مورد اقبال عامه مردم از عرب و فارس قرار گرفت و مسجد وی به مرکز تجمع نیروهای مذهبی شهر تبدیل شد. در دوران انقلاب مسجد شیخ ابتدا محور جریان روبه رشد مذهبی - انقلابی خرمشهر بود و به دلیل نبود روحانی سرشناس دیگری در شهر، نیروهای فعال دور شیخ گرد آمده و مبارزه علیه رژیم شاهنشاهی را سازمان دهی می‌کردند. اما با گسترش انقلاب و بروز برخوردهای خونین بین مردم و نیروهای امنیتی رژیم، بتدریج از همراهی و همکاری شیخ با انقلابیون مذهبی (احتمالا با اشاره آیت الله شریعتمداری) کاسته شد و از نیروهای مذهبی - انقلابی شهر فاصله گرفت و روش محافظه کاری

پیش کرد و با این استدلال که تضعیف شاه و حکومت مرکزی موجب تسلط کمونیست‌ها بر کشور خواهد شد، به مخالفت با اقدامات انقلابی در خرمشهر پرداخت و حتی راه پیمایی در تاسوعا و عاشورای سال ۱۳۵۷ را به صلاح ندانست. وی وقتی با گسترش راه پیمایی‌ها و تشدید مبارزات مردم مواجه شد، به بهانه انجام سفر سالانه و حضور در جمع مقلدینش راهی "احصای عربستان" شد و بدین ترتیب در اوج تحولات کشور صحنه را ترک کرد. با خارج شدن شیخ شبیر از صحنه، مسجد امام صادق (ع) نیز متروک گردید و مسجد جامع و حسینیه مرحوم مه‌ری به مرکز انقلابیون مسلمان خرمشهر تبدیل شد. با فرار شاه، شیخ شبیر به ایرن بازگشت در حالی که در کسوت انقلابی درآمده و به عنوان اعلم، نقش رهبری انقلاب در خوزستان را برای خود قائل بود. با حضور مجدد شیخ شبیر در خرمشهر مسجد امام صادق (ع) بار دیگر موقعیت گذشته خود را بازیافت اما بتدریج عناصری اطراف شیخ شبیر را گرفتند که اهداف و اغراض سیاسی خاصی را دنبال می‌کردند و از نخستین روزهای پیروزی انقلاب اسلامی او را به سوی اهداف خود سوق می‌دادند. فضای باز سیاسی پس از پیروزی انقلاب سبب شد، تا جریان‌های قومی که در طول قیام مردم مسلمان کاملاً تحت شعاع جریان مذهبی بودند، فرصت را مغتنم شمرده با محوریت شیخ شبیر فعالیت خود را آغاز کنند. در این راستا شیخ سه روز پس از پیروزی انقلاب طی حکمی سه تن از عناصر اصلی جریان قومی را به عنوان مسئولین امنیت و حراست شهر و خطوط مرزی استان برگزید و با این حکم از یک سو هرچه بیشتر به شیوخ عشایر و جریان‌های قومی نزدیکتر شد و از سوی دیگر برشکاف بین خود و نیروهای مذهبی - انقلابی شهر افزود.

با عمیق تر شدن شکاف موجود بتدریج دو جریان مذهبی - انقلابی و قومی، اولی حول نیروهای مذهبی و انقلابی شهر و دومی حول شیخ شبیر خاقانی و متشکل از عناصر سابقه دار جبهه التحریر، شیوخ عشایر و برخی عناصر وابسته به رژیم گذشته تحت عنوان سازمان سیاسی خلق عرب شکل گرفت و از همان ابتدای متشکل و سازمان دهی دو جریان، تعارض و تقابل بین آنها هویدا شد و کم کم به درگیری انجامید. جریان قومی که قصد استیلا بر شهر را داشت به کمک عراق به شدت مسلح و با حمایت‌های معنوی شیخ و کمک‌های مالی و تسلیحاتی عراق به نیرویی قدرتمند شهر تبدیل شد و تلاش برای از صحنه خارج کردن سایر رقبا را آغاز کرد. اولین اقدام جریان مذکور حمله به کانون فرهنگی - نظامی جوانان مسلمان خرمشهر بود که به تحریک شیخ شبیر و "امریکایی خواندن عناصر کانون" در ۱۳۵۸/۲/۲۳ انجام شد. در این تهاجم مسلحانه ساختمان کانون به آتش کشیده شد و سه طبقه ساختمان فرو ریخت و ۱۸ نفر از اعضای کانون از جمله محمد جهان آرا به اسارت عناصر سازمان سیاسی خلق عرب درآمدند. با از هم پاشیدگی مرکزیت نیروهای مذهبی - انقلابی، جریان قومی بر شهر مسلط شد و به ترکتازی در آن پرداخت.

در پی این حوادث دولت مرکزی سیاست خلع سلاح عمومی را اعلام کرد و نیروهای کمکی از شهرهای مختلف کشور عازم خرمشهر شدند. اما سازمان سیاسی خلق عرب با حمایت شیخ شبیر از تحویل سلاح خودداری کرد و اقدام به سنگربندی و ایجاد استحکامات در شهر نمود. با پایان یافتن ضرب العجل تحویل سلاح‌ها، بحران در شهر به اوج رسید و در ۵۸/۳/۹ به جنگ تمام عیار در شهر تبدیل شد و حدود یک ماه به تناوب ادامه یافت تا اینکه مقر سازمان سیاسی خلق عرب و منزل شیخ شبیر به تصرف نیروهای

دولتی درآمد و شیخ شبیر تحت الحفظ از خرمشهر به اهواز منتقل گردید و به دستور امام خمینی عازم قم شد. با دور شدن شیخ شبیر از خرمشهر، جریان قومی محوریت خود را از دست داد و اوضاع در شهر بتدریج روبه آرامش گذاشت و شیخ شبیر نیز با "اعلام برائت از دشمنان انقلاب اسلامی" در قم عملاً صحنه سیاسی را ترک کرد و به دنبال آن غائله خرمشهر نیز فروکش کرد و کم‌کم خاموش شد.

ضمیمه خبر شماره ۷

حجت الاسلام اکبرهاشمی رفسنجانی از اعضای شورای انقلاب و یکی از موسسین حزب جمهوری اسلامی در مجلس بزرگداشت استاد شهید مطهری در مدرسه فیضیه قم، توطئه‌های مختلفی را که علیه انقلاب اسلامی در داخل و خارج از کشور در جریان است، مفصلاً تشریح کرد و ضمن آن گروه‌های مخالف اسلامیت نظام جدید، بخصوص گروه‌های کمونیستی را، به نحو زیر، به شدت مورد سرزنش قرار داد:

«... اقلیتی معدود از عوامل رژیم گذشته، عمال ساواک و عمال سرویس‌های جاسوسی دنیای شرق و غرب و گروه‌های معدودی که در کشور ما وجود دارند با ایدئولوژی‌های ساخته شده‌ای که ما نمونه‌هایش را در تاریخمان دیده‌ایم، حرکت‌های مذبوحانه‌ای را شروع کردند و تلاش‌های بی‌ارزشی می‌کنند تا بتوانند انقلاب ما را از حرکت سریع خود بازدارند. نمونه‌هایش را ببینید، یکی از مسائلی که این روزها علم کرده‌اند و به رخ دنیا می‌کشند و جوان‌های ما را می‌خواهند فریب بدهند مسئله سانسور است شنیده‌اید که همین روزنامه‌ها و عوامل ارتجاع و عوامل امپریالیسم سرخ و سیاه متهم کرده است دولتی را و ملتی را و رهبری را و تشکیلات یک ملت و انقلابی را به سانسور. شما نمونه‌های این حرف را پیدا کنید، خدا می‌داند در تاریخ دنیا، انقلابی به وجود نیامده که در روزهای اول بتواند مثل کشور ما این جور باز و همه چیزش در اختیار مردم باشد ...»

خبرنگارهای داخلی و خارجی هرچه می‌خواهند ولو دروغ، ولو تهمت، علیه انقلاب ما می‌گویند. این روزنامه‌هایی که با قدرت انقلاب ما پیروز شده‌اند و آزاد شده‌اند، توطئه‌گرانه چیزهایی را که می‌بینید بویی از حقیقت ندارد، منعکس می‌کنند ... من در تظاهرات تهران شرکت کردم، در تشییع جنازه قم بودم، در مدرسه فیضیه بودم و شماها هم بودید، سری شعارهایی که مردم می‌دادند چه بود و آنچه که ما از تلویزیون شنیدیم چه بود؟ ما دهها شعار داشتیم علیه امپریالیسم شرق، چرا آن شعارها منعکس نشد، اینقدر مردم گفتند: "اسلام پیروز است، کمونیسم نابود است" چرا این شعارها را ما از تلویزیون با صراحت نشینیدیم، چرا بیشترین شعار که مسائل ایدئولوژی را مطرح می‌کرد نگفتند. حالا فردا آنها باز صدا بلند می‌کنند، سانسور! خواسته ۹۹ درصد مردم، فریاد ۹۹ درصد مردم در سراسر کشور دیروز منعکس نشده، چیزهایی که خواسته‌اند منعکس کرده‌اند در عین حال دشمنان ما فردا باز خواهند گفت سانسور چی. ببینید رو چقدر است و چه ظلمی است ... در شوروی انتخابات آنجا به قول "اتلی" مثل یک مسابقه اسب دوانی است که در آن فقط یک اسب شرکت کند که همیشه برنده است و باکمال پررویی بلندگوهایشان اینجا فریاد می‌زند و انتخابات و فراندوم ما را تحریم می‌کند. اسلحه به دوش گرفته‌اند، مراکز دولتی را قبضه کرده‌اند؛ آزادانه در خیابان حرکت می‌کنند و ذخایر انقلاب ما را ناجوانمردانه در دل شب به خاک و خون می‌کشند آن هم چه

تروری، یک فیلسوفی که حاضر نیست چاقو در جیب خودش بگذارد و حاضر نیست محافظ با خودش بردارد و نیمه شب در کوچه‌های تاریک حرکت می‌کند، ترور کردن این که چیزی نیست... اگر لازم بود در سراسر ایران یکبار دیگر مانوری بدهیم به دنیای غرب و شرق و اگر لازم بود که به عوامل "سیا" و "کا.گ." ب" بفهمانیم که بیخود دارید در ایران آهن سرد می‌کوبید. بهترین راهش این بود که یکی از ماها شهید بشود و این افتخار نصیب "مطهری" شد.

شوروی بعد از شصت سال انقلابش هنوز دارد گندم از آمریکا می‌خرد و اگر گندم آمریکا نیاید شوروی را قحطی می‌گیرد. کامبوج پس از سه سال از انقلابش هنوز یک وعده غذای سیر نمی‌خورند. چینی که غیر از کشاورزی چیزی ندارد اگر آمریکا به او گندم ندهد و برنج ندهد دچار قحطی می‌شود. شما با چه الگویی دارید مردم را فریب می‌دهید. به دشمنان غربی هم می‌گوییم بدبخت‌ها، بیچاره‌های شکست خورده‌ای که عمالتان را مثل لجن ریختیم از کشور بیرون، مستشاران نظامیتان، مستشاران نفتیان و آن همه مفرط و مفسدی که ریخته بودید و کشور ما را به لجن کشیده بودید، بیرونشان کردیم حالا رفتید آنجا در روزنامه‌هایتان برای ما صحبت از خشونت و صحبت از این چیزها می‌کنید و برای ما توطئه می‌چینید. شما اگر اکثریت بعلاوه یک داشته باشید یعنی ۵۰ درصد بعلاوه یک نفر در کشورهای غرب به خودتان حق می‌دهید که اقلیت‌ها را خلع سلاح کنید، ما چه کردیم در این کشور؟ ۹۹ درصد از مردم در دوران انقلابی که همه جا بعدش دادگاه صحرایی تشکیل می‌شود و گروه، گروه مردم را به تیر می‌بندند و کسی هم حرف نمی‌زند، با چند تا قاتل و مجرم و سفاک و مفسد را که اعدام کردیم، ما چه کردیم، رسوایید خودتان، شما دستتان به خون ما آلوده است، شما در غرب و شرق دارید آدم می‌کشید. به خاطر بردن نفت، شما همه جا دارید توطئه می‌کنید. آن دمکراسی که خودتان معنا کردید و خودتان می‌گویید اکثریت، مگر ما اکثریت نیستیم؟ کدام اکثریتی به اقلیتش این قدر اجازه می‌دهد از روزنامه‌ها و رادیوهایش بیشتر از اکثریت استفاده کنند؟ ما به خدا داریم جلوی مردم را می‌گیریم، ما داریم مردم را کنترل می‌کنیم، اگر ما مردم را کنترل نکنیم این مشقت اقلیت را مردم نمی‌گذارند زندگی کنند.

بدبختی‌هایی که شعار سانسور و خفقان می‌دهید اگر ما به این مردم اجازه بدهیم، اگر ما به مردم نصیحت نکنیم، اگر رهبر عظیم‌الشان ما از مردم نخواهند که آرام بمانند، می‌دانید که در مقابل یک خون با شما چه می‌کنند... شما اگر کشور را آزاد کرده بودید ماها را قتل عام می‌کردید، مطمئناً اینجوری است. در سال‌های ۳۲ هنوز به جایی نرسیده بودید، اما تیرهای اعدام و چوبه‌های اعدامتان قبلاً مشخص شده بود. ولی ما خودمان کشته می‌شویم و خودمان مورد انتقاد قرار می‌گیریم و خودمان در مقابل مردم حالت ضعف هم نشان می‌دهیم برای اینکه بگذاریم کشور آزاد باشد. در کجای دنیا به شما این قدر ارج می‌دهند. ساختمان دولتی در اختیارتان، روزنامه‌هایتان آزاد و ستون‌های روزنامه آزاد، اعلامیه‌هایتان را از رادیو تلویزیون این مردم، این ۹۹ درصد مردم می‌خوانند... (۱۹)

منابع و ماخذ روزشمار ۱۳۵۸/۲/۱۷

- ۱ - سند شماره ۰۹۰۲۸۹ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ : گزارش مامور اعزامی دفتر هماهنگی سپاه مرکز به خوزستان . (بدون تاریخ) .
- ۲ - روزنامه کیهان ۵۸/۲/۱۸ ، ص ۷ .
- ۳ - روزنامه کیهان ۵۸/۲/۱۷ ، ص ۷ .
- ۴ - ماخذ شماره ۳ ، ص ۷ .
- ۵ - ماخذ شماره ۳ ، ص ۷ .
- ۶ - نشریه پیکار ۵۸/۲/۱۷ ، ص ۸ .
- ۷ - روزنامه مردم ارگان حزب توده ایران ، سال اول ، شماره ۱۰ ، ۵۸/۲/۱۷ ، ص ۸ .
- ۸ - ماخذ شماره ۷ ، ص ۱ و ۵ .
- ۹ - سند شماره ۲ - ۲۳ - ۱۱۹ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ : اطلاعاتی اتحادیه کمونیست‌های ایران ، ۵۸/۲/۱۵ .
- ۱۰ - روزنامه بامداد ۵۸/۲/۱۷ ، ص ۱۰ و ۱۱ .
- ۱۱ - روزنامه اطلاعات ۵۸/۲/۱۷ ، ص ۳ .
- ۱۲ - ماخذ شماره ۳ ، ص ۳ .
- ۱۳ - ماخذ شماره ۲ ، ص ۴ .
- ۱۴ - مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی ، صحیفه نور ، مجموعه رهنمودهای امام خمینی ، جلد ۶ (تهران : وزارت ارشاد اسلامی ، سال ۶۱) ص ۱۲۳ - ۱۲۲ .
- ۱۵ - پیشین ، ص ۱۲۴ .
- ۱۶ - روزنامه کیهان ۵۸/۲/۱۸ ، ص ۳ ، خبرگزاری رویتر .
- ۱۷ - خبرگزاری پارس ، " گزارش‌های ویژه " ، نشریه شماره ۴۵ ، ۵۸/۲/۱۸ ، ص ۲۰ ، رادیو ریاض .
- ۱۸ - دانشجویان پیرو خط امام ، اسناد لانه جاسوسی امریکا ، جلد ۱۸ (تهران : نشر لانه ، بی تا) ص ۳۱ - ۲۸ .
- ۱۹ - روزنامه آیندگان ۵۸/۲/۱۷ ، ص ۸ .